

پیاده‌سازی جلسه‌ی ۸۰ تفسیر سوره‌ی مبارکه‌ی بقره

حجت‌الاسلام والمسلمین قاسمیان - ۵ شنبه ۱۴ تیر ۹۷

خلاصه

هشتادمین جلسه‌ی تفسیر سوره‌ی مبارکه‌ی بقره با یادآوری این نکته آغاز شد که دین دارای سه پایه‌ی اصلی **نماز، زکات و ولایت** است. این سه پایه‌ی اصلی به همدیگر مرتبط است. اگر کسی واقعاً بتواند این سه پایه را کار بکند، به منطلق قرآن دست پیدا می‌کند و می‌تواند از بالا بحث‌ها را دنبال بکند و بعد، این پازل به هم ریخته سرجایش می‌نشیند. یک بحث موضوعی هم بحث بنی‌اسرائیل است به عنوان نمونه و کارگاه عملی این سه پایه.

اشاره شد که ماجرای قبله به بحث امام مرتبط است. مسجد پاتوق امامت و محل تشکیلات امام است. هر چیزی که مانع شکل‌گیری مسجد بشود، **تخریب مسجد** است. گفته شده شما اموات را هم به مسجد بیاور: **خُدُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ (اعراف: ۳۱)**. اصلاً مسجد به عناوین مختلف دیده شده: محل مالی و اقتصادی، یک مرکز دینی و پاتوق اجتماعی. مسجد مبعادگاه همه‌ی بشر است و فقط برای مسلمان‌ها دیده نشده و این با خطابات قرآن مشخص می‌شود که می‌فرماید: **وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا (بقره: ۱۲۵)**. در ادامه دارد که **وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى** مقام ابراهیم را به عنوان مصلی انتخاب بکن. نمازت را در مقام ابراهیم بخوان؛ این مقام امامت است و نمازت را هم در همین مقام باید بخوانی تا بشود نماز. حالا این که مسجد با امام شکل می‌گیرد از چیزهایی است که از آن غفلت شده است. ما می‌دانیم مسجد امام دارد ولی حواسمان نیست که این امام جماعت مسجد، نماینده آن امام‌المسلمین است و منویات آن امام را باید جلو ببرد؛ وگرنه فضای دیگری به عنوان مذهب علیه مذهب به وجود می‌آید که قرآن از آن تحت عنوان مسجد ضرار یاد می‌کند. معنی اصلی نفاق هم، همین «مذهب علیه مذهب» است؛ یعنی اقدامات مذهبی و تبیین‌های مذهبی علیه مذهب، وگرنه مدل دیگرش که کفر آشکار است. در سوره‌ی توبه دارد: **وَمِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ (توبه: ۱۰۱)** یکسری از اعراب هستند که این‌ها منافق‌اند، ولی **وَمِنَ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النِّفَاقِ** یک عده از اهل مدینه هستند که فضایشان مرتب دارد نزدیک و نزدیک‌تر به خود پیغمبر می‌شود، این‌ها فوق تخصص نفاق دارند. در حدی که **لَا تَعْلَمُهُمْ** ای پیغمبر تو این‌ها را نمی‌شناسی (به پیغمبر می‌گوید یعنی در واقع به مؤمنین می‌گوید) **نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ** ما این‌ها را می‌شناسیم؛ یعنی این‌ها به راحتی قابل شناسایی هم نیستند. این‌ها اگر «حَوْلَ» بیرون دروازه‌های انقلاب باشند، منافقون هستند. اگر بیایند داخل دروازه‌های انقلاب، دیگر در نفاق تخصص دارند که واقعاً این‌ها غیرقابل شناسایی می‌شوند.

در ادامه به برخورد سفت قرآن با پدیده‌ی پاتوق درست کردن ضد نظام اسلامی اشاره شد. مسجد ضرار که خودش هم عامل تفرقه و هم عامل کفر می‌شود و نمی‌خواهد مسیر امامت را برود، پاتوق یک نوع تفکر ضد مقام پیغمبر می‌شود. پیغمبر هم آن را می‌سوزانند و آن را زباله‌دانی می‌کنند. و بعد هم آیه می‌گوید: ای مؤمنین! ای پیغمبر! شما پایتان را هم این‌جا نگذارید! **لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا (توبه: ۱۰۸)**، سر قبر سردمداران آن‌ها هم نروید **وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ (توبه: ۸۴)**. قرآن روی این مواضع سفت است؛ همان‌جور که در بحث سامری سفت بود. سامری خودش عالم صاحب کشف و کرامتی بود! آدم

مذهبی بود! وقتی آن گوساله را ساخت، حضرت گفتند: **لُنْحَرَقْنَهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا** (طه: ۹۷)؛ اصلاً آتش می‌زنیم و در دریا می‌ریزیم. اتفاقاً قرآن موضع‌های سفتی دارد نسبت به جریان‌های مقابل که بخواهند پاتوق‌هایی درست بکنند که یک جوری زیر آب نظام را بزنند. مسجد در فرآیند دینی به معنای پاتوق انقلابیون تعریف شده و اگر غیر این باشد، می‌شود مسجد ضرار! اگر بخواهد پاتوق‌های دیگری درست بکند، یک چیز دیگری می‌شود که اصلاً مورد تأیید دین نیست، حتی اگر اسمش را بگذارید حسینیه! اگر توانستید آن حسینیه را فتح بکنید و بشود برای منطق امامت، چیز خوبی است. باید حواسمان به این نکته جمع باشد که اتفاقاً مسجد علیه مسجد، حسینیه علیه حسینیه، تبیین‌های انقلابی علیه تبیین‌های انقلابی و ... کار را به شدت پیچیده می‌کند. راه، تنها **خط و ولایت** است و راه دیگری ندارد. چون او از راه امام یک قرائت می‌کند و این یکی یک قرائت دیگر! و چه کسی می‌تواند بگوید کدام قرائت درست است؟ هر جا دیدید ولایت در مسیری حرکت می‌کند شما هم در همان مسیر حرکت کنید. وقتی خط و ربط کلی معلوم شد، همان قرائت درست از آن درمی‌آید.

ما می‌خواهیم از خراب مسجد صحبت کنیم قرآن می‌گوید **يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا** (روم: ۱۹) خدا همان خدایی است که احیاء می‌کند زمین را بعد از مرگ زمین. خدا یکسری رجالی را برمی‌انگیزد، این‌ها عدل را در زمین احیاء می‌کنند. **فَتَحَى الْأَرْضَ يَا حَيَاءُ الْعَدْلِ** زمین به واسطه احیای عدل، احیاء می‌شود. آدم‌های عادل هستند که اقامه‌ی حق می‌کنند و زمین را احیاء می‌کنند. و **لَأَقَامَهُ الْحَدُّ لِلَّهِ أَنْفَعُ لِلْأَرْضِ مِنْ الْقَطْرِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا**؛ اقامه و اجرای حدود و تعزیرات بر روی زمین، پر منفعت‌تر است از این که چهل شبانه روز بر آن باران ببارد. اقامه‌ی حد برای خدا یعنی اجرای حدود الهی؛ مثلاً دست دزدی را بزنند، یا زانی و زانیه‌ای را شلاق بزنند، آن هم در ملأ عام و به همان صورتی که قرآن گفته **وَلْيَشْهَدْ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ** (نور: ۲) وقتی که اثبات شد دیگر حد بزنند. بعد خود خدا هم گفته که منی که رؤف هستم می‌گویم: **وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ** (نور: ۲) در دین خدا هم رأفت موقوف! اما آیا باید به دنبال اثبات جرم برویم؟ هرگز! برای اثبات نباید کاری کرد ولی وقتی اثبات شد، اگر حد جاری بشود از باران چهل روزه خاصیتش بیشتر است.

خیلی وقت‌ها سعی در تخریب نه به این معنی است که می‌خواهند آجرهایش را بکنند، بلکه کافی است مسجد را از حیثیات مختلف معنوی و انقلابی بیندازند. این‌ها با مساجدی که **يُذَكِّرُ فِيهَا أَسْمَ اللَّهِ كَثِيرًا** (حج: ۴۰) است مشکل دارند و می‌خواهند آن را منهدم کنند، ولی با مساجد دیگری که **وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا** (نساء: ۱۴۲)؛ هست، مشکلی ندارند. اینچنین مسجدی کلاً تخریب شده هست. **إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مِنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ** (توبه: ۱۸) فرقی ندارد با «انما يعمر الارض من آمن بالله». مؤمنین که فقط مسجد را آباد نمی‌کنند. اگر مسجد دست کس دیگر بیفتد، می‌شود مسجد ضرار و **سَعَى فِي خَرَابِهَا** (بقره: ۱۱۴)، و اگر زمین هم دست کسان دیگر بیفتد می‌شود «زمین ضرار» و می‌شود **وَيَهْلِكُ الْحَرَبُ وَالنَّسْلُ** (بقره: ۲۰۵)؛ این آدم إهلاک حرث و نسل می‌کند. زمین هم اگر بیفتد دست آدم‌های غیر مؤمن، می‌بینید که در زمین فساد ایجاد می‌کنند. این ماهیت عمران و خراب، احیاء و اماته، تخریب و انهدام است که می‌گوید **لَهُدِمَتِ صَوَامِعُ وَبِيعَ** (حج: ۴۰).

در ادامه لایه‌های مختلفی از «احیای مساجد با بردن زینت در آن» مورد اشاره قرار گرفت. **يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ** (اعراف: ۳۱) **لایه‌ی اول** از بحث این می‌شود که زینت‌هایتان را به مسجد بیاورید. می‌دانید که خود مسجد نباید زینت‌آلود باشد، ولی شما زینت‌هایتان را وارد مسجد بکنید؛ یعنی یک خانمی وقتی به مسجد می‌آید، گفته‌اند طلاهایش را به خودش آویزان کند و بیاید و یک لباس خوب بپوشد؛ آقا هم همین‌جور. گفته‌اند در حالت‌های بسیار شکیل وارد

مسجد بشوید. حتی ذیل این آیه گفته‌اند: موهبتان را خوب شانه بکنید و مرتب و منظم وارد مسجد بشوید انگار که دارید به سالن عروسی می‌روید. لایه دوم بحث این است که داریم **الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا** (کهف: ۴۶) مال و فرزندان زینت حیات دنیا هستند؛ این‌ها را بردار ببر مسجد! یکی از زینت‌ها هم اموالت هست؛ یعنی اقتصادت را ببر مسجد. مالت را ببر مسجد تا در محوریت مسجد اقتصاد شکل بگیرد و اقتصاد مسجد محور داشته باشیم. خودت هم که می‌روی مسجد دست بچه‌ها و رفیق‌هایت را بگیر و ببر مسجد. خودت که می‌روی آن‌ها را هم ببر. لایه سوم: **وَأَعْلَمُوا أَنَّ فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُمْ** (حجرات: ۷) بدانید در میان شما رسول‌الله است و اگر بخواهد رسول‌الله مطیع شما بشود، خودتان به زحمت می‌افتید **وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبِيبٌ إِلَيْكُمْ** (الْإِيمَانَ وَزَيْنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ) ولی خداوند ایمان را در دل شما محبوب کرده و همین ایمان، زینت شماست. با توجه به این نکات، یک لایه‌ی دیگر **خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ** این است که شما با تمام **ظرفیت ایمانی** به مسجد برو! همه‌ی ظرفیت اعتقادی-ایمانی خودت را ببر در مسجد. زینت خودت را که ایمانت است با خودت ببر مسجد. فعالیت‌ها و خدمات اجتماعی از مسجد باید شروع بشود. تمام ظرفیت اعتقادی و فکری‌ات را بیاور مسجد! این می‌شود: **خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ** و وقتی می‌فرماید: **يَا بَنِي آدَمَ** (اعراف: ۳۱) معلوم است این یک دستور بین المللی و جهانی است. قبل از فقره‌ی **وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا** (اعراف: ۳۱) این است: یا بنی آدم **خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ** و **كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا** آیا جا کم بوده؟! خیر، بلکه خوردن و آشامیدن هم باید برگرفته از روح ایمانی باشد و گرنه آن را حیوانات هم انجام می‌دهند. اصلاً لازم ندارد راجع به آن دستور الهی بیاید. خوردن و آشامیدن باید در بستر فهم ایمانی و تقویت دامن و دایره‌ی امام باشد. وقتی به شما می‌گویند دین و ایمان را تقویت بکن! این آرمان را که جلوی تو بگذارند، تو می‌فهمی که اگر دین را بخواهی تقویت بکنی، نمی‌توانی اینقدر از دنیا استفاده بکنی؛ چون که به هم نمی‌خورد! چون که اگر بخواهی خیلی از دنیا استفاده بکنی، آنوقت آدمی نیستی که بخواهی دین را تقویت بکنی یا مساجد را تقویت بکنی! یعنی جایگاه امامت امام را بخواهی تقویت بکنی! شبکه‌ی اجتماعی امام را بخواهی تقویت بکنی! اگر بخواهی این آرمان بزرگ را انجام بدهی این با بخور بخور سازگار نیست. این **كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا** مال این‌جاست که خوردن، آشامیدن و نکاح شخص، خانه و زندگانی تشکیل دادنش، کارش باید رنگ احیای مسجد بگیرد؛ یعنی رنگ احیای پاتوق و شبکه اجتماعی امام. آیات را در بسترهای خودش ببینید! حالا اینکه ما دلمان می‌خواهد آیات را تکه کنیم و از تکه‌هایش استفاده کنیم، آن یک بحث دیگر است. ائمه هم این کار را می‌کردند که آیات را تقطیع می‌کردند و از مقاطعات آن هم استفاده می‌کردند. ولی نمی‌توانیم بگوییم که آیه در بستر خودش بی‌معناست.

موضوعات اصلی: قبله، مسجد، امام، نفاق، مسجد ضرار، تخریب مسجد

موضوعات فرعی: حب، احیاء و اماتة، اقامه‌ی حدود، احیای زمین، بردن زینت به مسجد، چشم و هم‌چشمی، اسراف

آیات اصلی: ۱۱۴، ۱۲۴ و ۱۲۵ بقره

سایر سوره‌ها: اعراف: ۳۱، توبه: ۱۰۱ الی ۱۰۸، روم: ۱۹، نور: ۲، کهف: ۷ الی ۸ و ۴۶، حجرات: ۷، حج: ۴۱

فهرست مطالب

- ۱- مقدمه؛ نماز-زکات-ولایت: سه پایه دین ۵
- ۲- قبله ۵
- ۱-۲- مسجد؛ میعادگاه بشریت ۵
- ۱-۱-۲- تحول مسجد (به میعادگاه بشریت) در نگاه نظام‌سازی اسلامی ۶
- ۲-۲- ارتباط ماجرای «قبله و مسجد» با «امام» ۷
- ۱-۲-۲- امام جماعت نماینده امام‌المسلمین ۸
- ۳-۲- نفاق؛ مذهب علیه مذهب ۸
- ۱-۳-۲- منافقان نزدیک امام، متخصصین در نفاق ۸
- ۲-۳-۲- تفاوت منافق و گناهکار ۸
- ۳-۳-۲- مسجد ضرار ۹
- ۴-۳-۲- اهمیت حبّ ۱۲
- ۴-۲- بستر سیاسی آیات ۱۳
- ۳- تخریب مسجد ۱۴
- ۱-۳- معانی معنوی احیاء و امانه در قرآن ۱۴
- ۱-۱-۳- احیای زمین با احیای عدل و اقامه‌ی حدود الهی ۱۴
- ۲-۱-۳- احیای زمین با احیای مساجد ۱۵
- ۲-۳- احیای مسجد با بردن زینت به آن؛ بردن زینت به مسجد یعنی ۱۶
- ۱-۲-۳- لایه اول: رفتن به مسجد با بهترین پوشش ۱۶
- ۲-۲-۳- لایه دوم: رفتن به مسجد با مال و فرزندان ۱۷
- ۳-۲-۳- لایه سوم: رفتن به مسجد با تمام ظرفیت ایمانی ۱۷
- ۳-۳- استفاده زیاد از دنیا منافی پیش برد آرمان احیای مسجد ۱۸
- ۱-۳-۳- اسراف؛ عدم حرکت در مسیر احیای مسجد ۱۸
- ۴-۳- توصیه به انجام کار جهادی، فرهنگی و ... با محوریت مسجد ۱۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِهِ نَسْتَعِينُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ؛

(بقره: ۱۱۴) وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَى فِي خَرَابِهَا أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ؛

۱- مقدمه؛ نماز-زکات-ولایت: سه پایه دین

[۲+] اگر کسی بخواهد کلان_پروژه‌های قرآنی را کار بکند و وارد نظام‌سازی قرآنی بشود [چند بحث را باید بررسی کند]. یکی بحث **نماز** است با تمام جوانبش مثل **اقامه‌ی نماز، قبله، بیت الله الحرام، نماز شب** و همه‌ی این پکیج و از جمله **مسجد** (اینکه نوع تعریفی که قرآن از این بحث کرده چیست و جایگاه آن کجاست). یکی بحث کلان_پروژه **ایتاء زکات** است با تمام حواشی آن؛ مثل بحث **سائل و محروم، انفاق و ...**؛ و یکی هم بحث **ولایت** است. در این سه موضوع می‌بینید با ورود به هر بحثی، وارد یک بحث دیگر می‌شوید. این سه پایه اصلی است که به همدیگر مرتبط است. اگر کسی واقعاً بتواند این سه پایه را کار بکند، به منطق قرآن دست پیدا می‌کند و می‌تواند از بالا بحث‌ها را دنبال بکند و بعد این، پازل به هم ریخته سرچایش می‌نشیند. یک بحث موضوعی هم بحث بنی‌اسرائیل است به عنوان نمونه و کارگاه عملی این سه پایه؛ این سه پایه یک دور در میان بنی‌اسرائیل اجرا شده است. اگر این بحث‌ها کار بشود قرآن یک نما و منطق خاصی در ذهن فرد پیدا می‌کند. امیدواریم که بتوانیم این کلان_پروژه‌ها را حل بکنیم. بعضی از این‌ها هم بحث‌های طلبگی‌تر دارد و ممکن است بحث تفسیری عمومی نباشد و باید با حوصله بیشتری وقت بگذارند و با ضرباهنگ تندتری نگاه بکنند.

۲-قبله

[۵+] عرض شد که ماجرای **قبله** به بحث **امام** مرتبط است. شما آیاتی را که درباره قبله بیت الله الحرام آمده ببینید!

۲-۱- مسجد؛ میعادگاه بشریت

[۶-] در آیه ۱۲۴ سوره مبارکه‌ی بقره، مقام امامت را دارد معرفی می‌کند: (بقره: ۱۲۴) **وَإِذَا ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي ۚ قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ**؛^۲ [۹+] (بقره: ۱۲۵) **وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ...**

۱. تابعان حضرت ابراهیم، ذریه‌ی او هستند

اینجا بحث این نیست که حضرت برای همه ذریه‌های صُلبی خودش دعا کرده که این‌ها امام بشوند و گفته شده که ظالمان این‌ها امام نمی‌شوند! باید تناسب حکم و موضوع وجود داشته باشد. اگر حضرت ابراهیم علیه‌السلام دارد برای مقام امامت دعا می‌کند، دیگر این آدم‌های دم دستی را که دعا نمی‌کند. بلکه با (ابراهیم: ۳۶) **...فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي...** (پس هر کسی از من [که یکتاپرست و حق‌گرایم] پیروی کند، یقیناً از من است.) می‌خواهد بگوید در میان کسانی از ذریه من که در آن سطح [از تبعیت] هستند (بقره: ۱۲۴) **... لا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ**؛ [امامت برای] ظالم از آن‌ها نیست! یعنی در آن کسانی که تبع و پیرو [به تعبیری ذریه] هستند، همه امام نمی‌شوند؛ باید هیچ دامنه‌ای از ظلم و هیچ سابقه‌ای از ظلم و هیچ سابقه‌ای از شرک به ساحت مقدس آن آدم نباشد؛ چون (لقمان: ۱۳) **...إِنَّ الشُّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ**؛ شرک ظلم عظیم است. [این‌ها را باید دانست] تا دعای حضرت ابراهیم علیه‌السلام معلوم شود. نه اینکه همین ظالم‌های معمولی امام نمی‌شوند! این اصلاً دعای حضرت ابراهیم علیه‌السلام نیست.

[۷+] یا وقتی حضرت ابراهیم علیه‌السلام دعا می‌کند (بقره: ۲۶۰) **...كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ... چگونه مرده‌ها را زنده می‌کنی؟ ...قَالَ أَوْلِمُ تُوْمِنُ قَالَ بَلَىٰ وَلَكِنَّ لِيَطْمَئِنَّ قُلُوبِي...** (پس هر کسی از من [که یکتاپرست و حق‌گرایم] پیروی کند، یقیناً از من است.) بعضی این آیه را یک جور بی‌تنبین می‌کنند که انگار حضرت

این خانه را به عنوان محل اجتماع همه مردم قرار دادیم. این بحث سناریوی مسلمان‌ها نیست؛ اصلاً سناریوی بنی‌آدم است و در بحث مسجد به آن خواهیم پرداخت. این‌جا پاتوق امامت و محل تشکیل [تشکیلات] امام است؛ [تشکیلاتی] که از مسجد شکل می‌گیرد. هر چیزی که خلاف این باشد، سعی در تخریب مسجد است ولو من حیث لایشعر؛ هر چیزی که مانع شکل‌گیری مسجد بشود، تخریب مسجد است؛^۳

[۱۲-] گفته شده شما اموات را هم به مسجد بیاور: (اعراف: ۳۱) ... **خُدُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ**... . اصلاً مسجد به عناوین مختلف دیده شده: محل مالی و اقتصادی، یک مرکز دینی و پاتوق اجتماعی. هردینی و هر مسلکی یک پاتوقی برای خودش می‌بیند که یا پاتوقش می‌شود مسجد، یا دانشگاه، یا فرهنگسرا. بالاخره یک پاتوقی که دارد در دین تبیین می‌شود، مسجد است و دست امام هم هست. مسأله‌ی مسجد میعادگاه همه بشر هم دیده شده و فقط برای مسلمان‌ها دیده نشده و این با خطابات قرآن مشخص می‌شود که می‌فرماید: (بقره: ۱۲۵) **وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا**...

۲-۱-۱- تحول مسجد (به میعادگاه بشریت) در نگاه نظام‌سازی اسلامی

[۱۴+] این که آیا این مراکز دینی را به صورت کلی این جور [به عنوان میعادگاه بشریت] دیدند، یا این که در احکام باید تغییراتی حاصل بشود، این‌ها آن بحث‌های زنده نظام‌سازی است. مثلاً این که گفته شده مشرکون نجس هستند و نباید به مسجد بیایند، آیا این‌جا بحث نجاست ظاهری است یا قذارت معنوی؟! این یک بحث زنده فقهی است که هم به نجاست اهل کتاب برمی‌گردد که آیا اهل کتاب نجس‌اند یا نه؟ و هم اینکه آیا در فضای مسجد ما می‌توانند وارد بشوند، یا نمی‌توانند؟ و حتی یکسری از احکامی که امروز مانع از آمدن در مسجد است. آیا مسجد را این جور دیده‌اند که گوش تا گوش آن کسی نتواند بیاید؟ یا نه یک محل اجتماعی است که یک بخشی از آن مسجد است؟ این‌ها جزء بحث‌هایی است که اگر فضای نظام‌سازی آن باز بشود، در فضای فقهی آن هم تأثیر می‌گذارد.

ابراهیم علیه‌السلام دلش به معاد مطمئن نبوده! این که شأن حضرت ابراهیم علیه‌السلام نیست که چنین دعایی بکند، حتی دل ما هم به معاد مطمئن است. حضرت ابراهیم علیه‌السلام دنبال اطمینان قلبی از سنخ این بوده که خودش هم احیاء بکند: **... قَالَ فَخَذُوا مِنْهُمُ الْمَثَلَةَ بَعْضًا مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرُوهَا إِلَيْكَ يَوْمَ يُصْعَقُونَ يَوْمَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ** (سوره‌ی بقره: ۲۶۰). [خدا] فرمود: پس چهار پرنده بگیر و آنها را [برای دقت در آفرینش هر یک] به خود نزدیک کن، و [بعد از کشتن، ریز ریز کردن و مخلوط کردنشان به هم] بر هر کوهی [در این منطقه] بخشی از آنها را قرار ده، سپس آنها را بخوان که شتابان به سویت می‌آیند.

[۸+] بنابراین سطح بحث را نگه دارید. در اصطلاح آخوندی به این **تناسب حکم و موضوع** گفته می‌شود. مثل اینکه من به شما بگویم من می‌خواهم یک ماشین بخرم ۳۰ تومان و این یعنی ۳۰ میلیون تومان. بعد بگویم یک بستنی خریدم ۳۰ تومان که معلوم است ۳۰ هزار تومان است، ۳۰ میلیون تومان که بستنی نمی‌خرند! یا مثلاً طرف کارخانه‌دار است و یک کارخانه راه انداخته ۳۰ تومان که لابد یعنی ۳۰ میلیارد. این‌ها هر کدام با هم تناسب حکم و موضوع دارند.

۲. و [یاد کنید] هنگامی که ابراهیم را پروردگارش به اموری [دشوار و سخت] آزمایش کرد، پس او همه را به طور کامل به انجام رسانید، پروردگارش [به خاطر شایستگی و لیاقت او] فرمود: من تو را برای همه مردم پیشوا و امام قرار دادم. ابراهیم گفت: و از دودمانم [نیز پیشوایانی برگزین]. [پروردگارا] فرمود: پیمان من [که امامت و پیشوایی است] به ستمکاران نمی‌رسد.

۳. [-۱۰] حتی مدرسی که راه انداختند. خیلی‌ها با نیت‌های خوب می‌روند خیر مدرسه‌ساز می‌شوند، ولی در آن سناریوی اصلی دین اصلاً این مدارس عصریه به عنوان محل آموزش در دین دیده نشده است. آن محلی که برای آموزش در دین دیده شده کلاً فضای مسجد و فضای پیرامون مسجد است. الان بعضی دارند اقدام می‌کنند برای تأسیس مدارس مسجدمحور. تلاشی است که باید انجام بشود و باید عنایت و دقت بکنند تا نمونه‌های موفق آن راه بیفتد. می‌دانید که حتی آکسفورد تقریباً یک حالت موقوفه‌ای دارد. حتی حجره‌هایی شبیه مدارس دینی طلبگی دارند. کاملاً شبیه همین چیزی که در سنت دینی ما هست.

[۱۶-] آیه می‌گوید: (اعراف: ۳۱) **يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ...** ای بنی‌آدم زینت‌هایتان را بیاورید در مسجد. یا این محل به معنی مسجد عام است (که عبادتگاه‌ها را دربرمی‌گیرد)، یا باید واقعاً درباره مسجد تغییراتی بدهیم؛ حتی شاید یکسری قوانین خاصی گذاشته شده که موردی بوده است. این که آیا در بحث فقهی آن قواعد موردی داشتیم یا نه؟ می‌دانید که مثلاً در بحث حدود و دیات مدل شکل‌گیری عرفی دارد؛ مثلاً برای حدّ شُرْبِ مُسْکَرِ پیغمبر شخص را با لنگه کفش می‌زدند، بعدها که قبح مُسْکَرَات و احکامش جا افتاد، پیغمبر محکم‌تر می‌زدند، بعداً مردم اضافه کردند و یک قانون گذاشتند که مثلاً از این حد بیشتر نزنید و این حدّ شرب مسکر شده است.

۲-۱-۱-۱- احکام اجتماعی، تابعی از زمان

[۱۷+] این‌ها بحث‌های طلبگی دارد که وقتی در یک زمانی یک حکمی گفته می‌شود آیا این حکم، فیکس می‌شود یا نه؟ مثلاً گفته‌اند فلانی را اینقدر شلاق بزنید، آیا این حکم فیکس می‌شود؟ یا نه، حکم در تابعی از توابع عرف و عادت و زمان و مکان جابجا می‌شود؟ این بحث چون عمیقاً یک بحث طلبگی است [خیلی واردش نمی‌شویم]؛ حتی در فضای طلبگی هم از این بحث پرهیز می‌کنند. از این جهت جای باز کردنش این‌جا نیست، ولی لااقل بعید نمی‌نماید که احکامی را که مخصوصاً به مسائل اجتماعی مرتبط بشود، [تغییراتی در آن داده شود]. یک موقع بحث رکعات نماز است، و به مسائل اجتماعی مرتبط نمی‌شود. ولی یکسری احکام هست که به گونه‌ای به مسائل اجتماعی مرتبط است، یا از احکام عبادتی جماعتی است، یا مسئله قضا و جزاء و بیع و معاملات است. ما باید اصول کلی و روح حاکم بر آن [احکام] را در بیاوریم و بتوانیم درست استظهار کنیم و با استظهارات منطقی ببینیم آیا می‌توانیم احکام را update کنیم؟ و نه از سر روشنفکری! بلکه یک update منطقی. نه از سر این‌که مثلاً در مسکو زورمان آمده ۲۱ ساعت روزه بگیریم، بلکه با این دغدغه که آیا این واقعاً حکم الله است یا نه؟! اگر حکم الله این بود که ۲۱ ساعت روزه می‌گیریم ولی اگر حکم الله این نبود، یک عده باید دغدغه داشته باشند [برای درآوردن حکم الله]. همان‌طور که از این طرف اشکال است، از آن طرف هم اشکال است.

۲-۱-۱-۲- افراط و تفریط در حکم الهی، ممنوع!

[۲۰-] بعضی فکر کرده‌اند ما هرچقدر سفت بگیریم بد نیست! در صورتی که همان مقداری که خدا گفته باید همان باشد، بقیه‌اش را که شما نمی‌توانی سفت بگیری! در تاریخ است که قنبر خواسته حدّ اجرا بکند، سه ضربه بیشتر زده، حضرت پرسیده چرا این جوری زدی؟ مثلاً گفته: می‌خواستم خیلی قشنگ موضوع جا بیفتد! و حضرت خوابانندش و سه ضربه به او زدند! پس همان چیزی که هست باید اجرا بشود، نه این‌که ما فکر کنیم اگر سفت کنیم بهتر است! خدا یکسری حلال و حرام گفته و یکسری از احکام را هم واگذاشته. اگر روایاتش را نگاه کنید خیلی جالب است! نه این‌که فراموش کرده که وا گذاشته! اصلاً یک بخش‌هایی را می‌خواسته و ابگذار. می‌خواسته چیزی نگوید و آزاد بگذارد که در عرف آخوندی به آن **مباح اقتضائی** می‌گویند، نه این‌که دو کفه ترازو را سنجیده‌اند و وسط آن را گفتند مباح، بلکه اصلاً نگاه کرده‌اند و گفتند مطلق العنان بودن، خودش مطلوبیت دارد.

۲-۲- ارتباط ماجرای «قبله و مسجد» با «امام»

[۱۳-] (بقره: ۱۲۵) ...وَأَتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى... مقام ابراهیم را به عنوان مصلی انتخاب بکن. نمازت را در مقام ابراهیم بخوان و این مقام امامت است و نمازت را هم در همین مقام باید بخوانی تا بشود نماز! این صرف آن نیم دایره نیست. البته کلمات قرآن یک جوری است که آن نیم دایره را هم به عنوان مقام ابراهیم می‌گیرد ولی این به خاطر این است که [بفهماند اینجا] **مسجد امام** است.

۲-۱-۲ امام جماعت نماینده امام المسلمین

[۲۲-] نشان دادیم این مقدار از آیه قابل اصطیاد است که لااقل می‌خواهد نشان بدهد که این سناریوی مسجد الحرام، و مسجد سناریوی بشریت است و سناریوی مسلمان‌ها نیست. حالا این که با **امام** شکل می‌گیرد از چیزهایی است که از آن غفلت شده است. ما می‌دانیم مسجد امام دارد ولی حواسمان نیست که این امام [امام جماعت مسجد] نماینده آن امام [امام المسلمین] است و منویات آن امام را باید جلو ببرد. این آن مسجد است و گرنه [۱۳+] فضای دیگری به عنوان **مذهب علیه مذهب** وجود دارد که قرآن از آن به **مسجد ضرار** یاد می‌کند.

۲-۳-۳ نفاق؛ مذهب علیه مذهب

[۲۳-] معنی اصلی **نفاق** که مکرر در این جلسات به آن اشاره کرده‌ایم، **مذهب علیه مذهب** است؛ یعنی اقدامات مذهبی و تبیین‌های مذهبی علیه مذهب؛ و گرنه مدل دیگرش که کفر آشکار است. این چیزی که خیلی پیچیده درمی‌آید و می‌شود (منافقون: ۴) ...هُمُ الْعَدُوُّ...^۴ و این که اگر بگویند تو گوش می‌کنی، ملت گوش می‌کنند و خیلی هم برای خودش منطبق دارد ...كَانَهُمْ خُشْبٌ مُسْنَدَةٌ...^۵ بالاخره یک الواری است که سرپاست، همه‌ی این‌ها همان فضای مذهب علیه مذهب است.

۲-۳-۱ منافقان نزدیک امام، متخصصین در نفاق

[۲۴-] در سوره توبه دارد: (توبه: ۱۰۱) ...وَمِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ... یکسری از اعراب هستند که این‌ها منافقانند، ولی ...وَمِنَ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النَّفَاقِ... یک عده از اهل مدینه هستند که فضایشان مرتب دارد نزدیک و نزدیک‌تر به خود پیغمبر می‌شود، این‌ها فوق تخصص نفاق دارند. در حدی که ...لَا تَعْلَمُهُمْ... ای پیغمبر تو این‌ها را نمی‌شناسی (به پیغمبر می‌گوید یعنی در واقع به مؤمنین می‌گوید) ...نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ... ما این‌ها را می‌شناسیم؛ یعنی این‌ها به راحتی قابل شناسایی هم نیستند. این‌ها اگر «حَوْلَ» بیرون دروازه‌های انقلاب باشند، منافقون هستند. اگر بیایند داخل دروازه‌های انقلاب، دیگر در نفاق تخصص دارند که واقعاً این‌ها غیرقابل شناسایی می‌شوند. ...سَنُعَذِّبُهُمْ مَّرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٍ؛^۶

۲-۳-۲ تفاوت منافق و گناهکار

۴ . اینان دشمن واقعی‌اند.

۵ . وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَ إِن يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَانَهُمْ خُشْبٌ مُسْنَدَةٌ يَخْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ فَاَتَلَّهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ؛ چون آنان را بینی جسم و ظاهرشان از آراستگی و وقار[تو را به شگفت آورد، و اگر سخن گویند [به علت شیرینی و جذابیت کلام] به سخنانشان گوش فرا می‌دهی [اما از پوچی باطن، سبک‌مغزی و دورویی] گویی چوب‌های خشکی هستند که به دیواری تکیه دارند [و در حقیقت اجساد بی‌روح‌اند که در هیچ برنامه‌ای اطمینانی به آنان نیست، از شدت بزدلی] هر فریادی را به زبان خود می‌پندارند. اینان دشمن واقعی‌اند از آنان بهره‌یز خدا آنان را بکشد چگونه [با دیدن این همه دلایل روشن از حق به باطل] منحرف می‌شوند.

۶ . به زودی آنان را دوبار عذاب می‌کنیم [عذابی در دنیا و عذابی در برزخ] سپس به سوی عذابی بزرگ بازگردانده می‌شوند.

[۲۵] (توبه: ۱۰۲) وَأَخْرُونََ اغْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ... و دیگرانی هستند که به گناهانشان اعتراف کردند؛ ما بحث گناهکار را نمی‌کنیم و منظورمان از منافق گنهکار نیست؛ گنهکارانی که گاهی دلشان با خوبی است و گاهی دلشان با بدی است و به گناهان خودشان معترفند. ... خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَآخَرَ سَيِّئًا... هم اعتکاف می‌آید و هم کاباره می‌رود؛ یعنی آدم‌های این مدلی کم ندیدیم. به خصوص در خارج از کشور این‌ها آدم‌های جالبی هستند؛ مثلاً مسلمان است، مسجد می‌آید، نماز جمعه می‌رود و بعد می‌رود کافه عرق می‌خورد! ... عَسَى اللَّهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ... ان شاءالله خدا این‌ها را می‌بخشد... إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ بالاخره طرف ضعیف هست و از سر ضعف اراده این کارها را می‌کند. می‌داند هم که خطا می‌کند ولی این معنی «مَرَدُوا عَلَى النَّفَاقِ» نیست.

[۲۶+] بعد می‌گوید: (توبه: ۱۰۳) خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ... ای پیغمبر برو اموال این‌ها را بگیر که با این اموال گرفتن از مردم و زکات گرفتن فرارهای مالیاتی مشخص می‌شود. (توبه: ۱۰۳) خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلَّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ (توبه: ۱۰۴) أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ؛^۷

[۲۷-] در ادامه یک بحث مهمی دارد در ارتباط با «نفاق» و «انفاق و صدقه» که از آن عبور می‌کنیم: (توبه: ۱۰۵) وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (توبه: ۱۰۶) وَأَخْرُونََ مُرْجُونَ لِمَا لَمْ يَأْمُرُ اللَّهُ... بعضی هم کارشان متوقف به امر خداست. ... إِمَّا يُعَذِّبُهُمْ وَإِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ... یک عده این وسط هستند که می‌خواهند ببینند آیا خدا می‌بخشد یا نمی‌بخشد! وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ؛^۸

۲-۳-۳ - مسجد ضرار

[۲۷+] (توبه: ۱۰۷) وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفْنَ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ؛^۹ این می‌شود بحث منافقونی که از مراکز مذهبی و دینی استفاده می‌کنند، یک‌هوی می‌بینید یک حسینیه پاتوق چیزهای خلاف منویات امام دارد نضح پیدا می‌کند.

۲-۳-۳-۱ - ماجرای مسجد ضرار

[۲۸+] داستان این است که آمدند این مسجد را ساختند و گفتند: یک مسجدی ما داریم می‌سازیم _ این مسجد پوششی هم بوده _ به خاطر این‌که مثلاً راه دور است. بعد به پیغمبر گفتند: "یا رسول الله! شما تشریف بیاورید این مسجد را

۷. از اموالشان زکاتی دریافت کن که به سبب آن نفوس و اموالشان را پاک می‌کنی، و آنان را رشد و تکامل می‌دهی و اینه هنگام دریافت زکات بر آنان دعا کن زیرا دعای تو مایه آرامشی برای آنان است و خدا شنوا و داناست. (۱۰۳)

آیا ندانسته‌اند که فقط خداست که از بندگانش توبه را می‌پذیرد و صدقات را دریافت می‌کند؟ و یقیناً خداست که بسیار توبه‌پذیر و مهربان است. (۱۰۴)

۸. و بگو: عمل کنید به زودی خدا و پیامبرش و مؤمنان اعمال شما را خواهند دید، و به زودی به سوی دانای نهان و آشکار بازگردانده می‌شوید، پس شما را به آنچه همواره انجام می‌دادید، آگاه می‌کند. (۱۰۵)

و گروهی دیگر کارشان موقوف به مشیت خداست، یا آنان را عذاب می‌کند یا توبه آنان را می‌پذیرد و خدا دانا و حکیم است. (۱۰۶)

۹. و از منافقان کسانی هستند که بر پایه دورویی و نفاق، مسجدی ساختند برای آسیب رساندن و ترویج کفر و تفرقه‌افکنی میان مؤمنان و کمین‌گاهی برای [گردآمدن] کسانی که پیش از این با خدا و پیامبرش جنگیده بودند، سوگند سخت می‌خورند که ما با ساختن این مسجد جز خوبی [او خدمت] قصدی نداشتیم، ولی خدا گواهی می‌دهد که بی‌تردید آنان دروغگویند.

افتتاح کنید!" یک مرکز مذهبی در مقابل قوای مسجد پیغمبر می‌زنند و حتی می‌خواهند که پیغمبر بیاید این مسجد را افتتاح کند ولی این‌جا در اصل یک خانه تیمی است. حضرت گفتند: "من بروم جنگ تبوک و برگردم بعد می‌آیم". رفتند جنگ تبوک و برگشتند، گفتند: "این مسجد را بسوزانید!" پیغمبر مسجد سوزاند! و به همین اکتفا نکردند و گفتند: "جای این مسجد را بکنید زباله‌دانی مدینه!" این‌جا شد مرکز دپوی زباله مدینه؛ یعنی این مسجد را از ریشه درآوردند! نگذاشتند به عنوان موزه‌ای برای عبرت!

[۴۱+] جالب است که می‌دانید این مسجد را چه کسی ساخت؟ ابوعامر پدر حنظله غسل الملائکه! یعنی پدر این است و پسر این! حنظله تا ازدواج کرد، بعد همان شب زفاف آمد جبهه و رفت شهید شد. جنب بود و شهید شد و پیغمبر گفتند: ملائکه او را غسل دادند. یک چنین کسی که عروس را ول می‌کند و به جبهه می‌رود، خدایی در تاریخ نوبر است! ولی پدر همین شخص، ابوعامر است که مسجد ضرار ساخت!

۲-۳-۲- بر خورد سفت قرآن درباره پاتوق درست کردن علیه نظام اسلامی

[۳۲-] چرا پیغمبر با یک مسجد ضرار این جور برخورد می‌کنند؟ [چون] مسجدی است که خودش هم عامل تفرقه و هم عامل کفر می‌شود و هم این‌که نمی‌خواهد مسیر امامت را برود؛ پاتوق یک نوع تفکر ضد مقام پیغمبر می‌شود. پیغمبر هم آن را می‌سوزانند و آن را زباله‌دانی می‌کنند. و بعد هم آیه می‌گوید: ای مؤمنین! ای پیغمبر! شما پایتان را هم این‌جا نگذارید! (توبه: ۱۰۸) ... **لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا**... سر قبر سردمداران آن‌ها هم نروید (توبه: ۸۴) ... **وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ** ...

[۳۳-] قرآن روی این مواضع سفت است؛ همان‌جور که در بحث سامری سفت بود. سامری خودش عالم صاحب کشف و کرامتی بود! آدم مذهبی بود! وقتی آن گوساله را ساخت، حضرت گفتند: (طه: ۹۷) ... **لِنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا**؛ اصلاً آتش می‌زنیم و در دریا می‌ریزیم. اتفاقاً قرآن مواضع‌های سفتی دارد نسبت به جریان‌های مقابل که بخواهند پاتوق‌هایی درست بکنند که یک جور زیرآب نظام را بزنند. البته این مقابله‌ها حتماً باید با حکمت و مصلحت ترکیب بشود. حتماً باید فهم بشود. در وقت‌هایی که فهم نشود آخرش هم کار درست انجام نمی‌شود؛ یعنی فهم عمومی باید برسد به این نکته. منطق یک منطق سفتی است درباره پاتوق درست کردن دیگران علیه نظام اسلامی، که حتی اگر مسجد باشد آن را می‌سوزانند و تبدیل می‌کنند به زباله‌دانی!^{۱۰}

۱۰. [۳۵+] حالا اگر شما نمی‌توانی یک چیزی را خراب بکنی، لاقلاً در مجلس آن شرکت نکن! دیگر به آن حسینیه‌ی X نرو به خاطر این‌که قبلاً حسینیه خوبی بوده! الان «خامنه‌ای، خمینی است». دیگر بلند نشو این طرف و آن طرف برو به خیال این‌که مثلاً این‌جا بوی امام می‌دهد! ولی می‌رود و این و آن را تقویت می‌کند در حالی‌که ایستادن در آن‌جا و نماز خواندن در آن‌جا تقویت آن داستان است. آن داستان را تقویت نکنید! کسانی را [تقویت نکنید] که به هر جهت خط و ربطشان، آن خط و ربط نیست و خط و ربط دیگری اتخاذ شده است، در حالی‌که خط و ربط امام المسلمین معلوم است چیست و شما همان خط و ربط را باید بگیری و بروی. همان را هم تقویت کن! جاهایی که دارد پاتوق می‌شود و می‌بینید اگر لازم بشود که مواقعی هم ضربه بزنند (یعنی اگر معلوم شود که ضربه‌خور آن ملس است) می‌زنند. تعارف ندارند! لذا می‌بینید در بیت فلان آقا می‌روند و می‌آیند! می‌بینید دارند رفته رفته بیت یک مجتهد چیز دیگری دارد می‌شود! لذا آدم باید خودش حواسش را جمع بکند و وسیله‌ی تقویت این جریان‌ها نشود.

[۳۷+] بعضی می‌گویند این تطبیق‌هایی که شما می‌دهید خیلی پیچیده است! جواب این است که به خاطر همین قرآن می‌گوید: (توبه: ۱۰۱) ... **لَا تَعْلَمُهُمْ**... چون بعضی فوق تخصص دارند در یک جور حرف زدن‌هایی که شما نمی‌دانید این واقعاً منطقی دینی است یا نیست؟ اگر هست پس چرا در این راه نیست؟ می‌بینید همه را گیج می‌کند. هم دینی است و هم می‌فهمی که این توی این راه نیست!

۲-۳-۳-۳- سیاسی بودن مسجد در مکتب دین

[۳۰-] اینجاست که می‌گوییم مسجد یک جای عبادت فردی نیست. مسجد یک جای سیاسی است. آن‌ها که نمی‌خواستند بروند آن‌جا چاقوکشی راه بیندازند! می‌رفتند عبادت می‌کردند؛ ولی مسجد فقط جای عبادت نیست. مسجد عبادتش هم سیاسی است.

[۳۰+] به قول حضرت امام گریه بر امام حسین علیه‌السلام هم سیاسی است. از گریه بر امام حسین علیه‌السلام اگر تخذیر درآمد، اصلاً آن گریه برای امام حسین علیه‌السلام نیست. این چه گریه‌ای است برای امام حسین علیه‌السلام؟! اگر عرفان ما حالت مواد مخدوری درآمد، این که عرفان نیست! این‌ها که حال ندارند بروند جبهه!

[۳۱-] عثمان بن مظعون آمد پیش پیغمبر گفت: "یا رسول الله! می‌خواهم از دنیا بیرون بزنم!" حضرت گفتند: "خیلی هم عالی!" گفت: "می‌خواهم خودم را اخته کنم و بروم توی بیابان!" حضرت گفتند: "تو غلط می‌کنی! برو مشکل ازدواجت را حل کن! و اگر بیابان می‌خواهی بروی، برو جنگ!" برو مدافع حرم شو! برو سوریه! این چه عرفانی است که می‌خواهی سر به بیابان بگذاری؟! در اسلام عرفان هم در بسترهای جهادی دیده می‌شود. گفته‌اند: رهبانیت امت من جهاد فی سبیل الله است. اگر خیلی از دنیا می‌خواهی فاصله بگیری، برو جبهه! وگرنه کارهای دیگر بیشتر شبیه کیف الله بازی است.

[۳۴+] بدانید که بالا بروید پایین بیایید دین ما یک دین سیاسی است؛ یعنی آخرش پای ولایت خرج می‌شود. اگر بگویید گونه‌ای از عبادت که در میان بوداییان، هندوها و نصارا هست، این جنس عبادت در نماز هم هست، اصلاً اینطور نیست! عنصر مسجد، امام دارد که نماینده امام المسلمین است. نماینده‌ی آن طرز تفکر است.

۲-۳-۳-۴- قاعده فقهی «لا ضرر و لا ضرار»

[۴۱-] (توبه: ۱۰۷) **وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا... این ضرار و ضرر زدن قاعده‌ای در فقه دارد به نام «لا ضرر و لا ضرار».** [۴۲] سمره بن جندب از اصحاب پیغمبر بوده که یک درخت داشته در منزل کسی و مرتب سرزده می‌رفته به درختش سر می‌زده. صاحب خانه آمد به پیغمبر شکایت کرد و پیغمبر به سمره بن جندب گفت: "این درخت را به این صاحب خانه بفروش!" گفت: "درخت خودم است و می‌خواهم سرزده بیایم به آن سر بزنم." حضرت گفتند: "بفروش به من! جایش صدتا درخت به تو می‌دهم. درخت در بهشت با ضمانت می‌دهم." ولی سمره قبول نکرد. آدم چقدر باید احمق باشد؟! وقتی حضرت می‌فرماید درخت می‌دهم در بهشت با ضمانت یعنی ضمانت می‌کنم تو بروی بهشت! پیغمبر به صاحب خانه گفت: "درخت را از ریشه بکن بینداز دور!" و گفتند: «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام». همین سمره بن جندب کسی بود که بعدها جلوی امیرالمؤمنین علیه‌السلام ایستاد، جلوی امام حسن علیه‌السلام ایستاد و در کربلا هم جلوی امام حسین علیه‌السلام ایستاد! آدم تاریخ می‌خواند می‌بیند چقدر آدم می‌تواند خبیث بوده باشد؟!

[۳۸] حواستان باشد! آن کسانی هم از مسئولین که همه جور فالوده‌ای با همه گونه‌هایی از دینداری و انقلاب‌داری می‌خورند (با کسانی که چه در خط باشند چه نباشند)، این‌هایی که می‌خواهند چنین نقش‌هایی را بازی کنند، بیشتر به گیج شدن مطلب دارند کمک می‌کنند تا به جذب! مردم نمی‌فهمند آیا واقعاً خط این است یا نه؟!

[۴۴-] (توبه: ۱۰۷) **وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ مِنْ قَبْلُ...**^{۱۱} یعنی مسجدی که دارد به جامعه مسلمین ضرر می‌زند و پوشش آن کارهایشان است. طرف می‌آید مسجد و مدرسه می‌سازد و شما فکر می‌کنی این آدم که متدین است و نمی‌شود این جور باشد که! **...وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ...** این‌ها دارند بین مؤمنین تفرقه می‌اندازند و مسجد را پاتوق و خانه تیمی می‌کنند. **...وَلِيُخْلِفَنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَى...** و قسم می‌خورند که ما جز خوبی نمی‌خواهیم. **...وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ؛** ولی خدا گواهی می‌دهد که بی‌تردید آنان دروغگویند.

۲-۳-۴ - اهمیت حبّ

[۴۴+] (توبه: ۱۰۸) **لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا...** ای پیغمبر در چنین مسجدی ابداً نایست! و وقتی به پیغمبر می‌گوید؛ یعنی به مؤمنین می‌گوید. **...لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ...** قطعاً مسجدی که از نخستین روز بر پایه تقوا بنا شده شایسته‌تر است که در آن [به نماز و عبادت] بایستی **...فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا...** در این مساجد مردانی هستند که دوست دارند طاهر بشوند.

[۴۴-] این خیلی حرف مهمی است. نمی‌گوید: این‌ها حتماً طاهر شدند، که البته بعداً همین را هم می‌گوید. ولی **دوست داشتن طهارت و طاهر شدن** دو چیز است. [۴۶+] حالا این‌جا که دارد (توبه: ۱۰۸) **...فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا...** اولاً خود مقوله **حُبّ، قلب، دوست داشتن** خیلی مهم است. قرآن یک جاهایی می‌گوید (نور: ۱۹) **إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ...** بعضی خودشان این کار [خطا] را نمی‌کنند، ولی دوست دارند خطاها زیاد بشود؛ یعنی وقتی به قلبشان مراجعه می‌کنند، از شکست مؤمنین خوشحال می‌شوند. از این‌ها بگوید: آقا من یک جایی یک فیلمی گرفتم! اصلاً عشق می‌کند از ملت آتو بگیرد. به جای این‌ها که مرتب سرپوش بگذارد و به اطرافیان نهیب بزند که مثلاً "یک وقت این فیلم را پخش نکنی! خیلی کار بدی کردی! این چه فیلمی است که از آدم‌ها می‌گیری!؟" اصلاً خودِ دوست داشتن این چیزها کار بدی است. خودِ دوست داشتن خوبی چیز خوبی است. این آیه بسیار مهم است. اول می‌گوید: (توبه: ۱۰۸) **...يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا...** دوست دارند طاهر بشوند و بعد می‌گوید: **...وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ؛** خدا طاهران را دوست دارد. پس معلوم است خود دوست داشتن طهارت رفته رفته آدم را طاهر می‌کند. کسی که دوست دارد طاهر بشود، طاهر می‌شود. همین که دوست دارد طاهر بشود، به مسجد می‌رود و هم طهارت فردی و هم طهارت انقلابی پیدا می‌کند.

طاهر شدنی که در این آیات هست، ذیل (حج: ۲۹) **ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ...**^{۱۲} عرض کردم که یکی از آن آب‌هایی که آلودگی‌ها را می‌زداید، خود **امام** است و برای همین **آب** در قرآن به **امام** تطبیق شده. (حج: ۲۹) **ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ...** بروید آلودگی‌هایتان را بزدايید؛ یعنی بروید پیش امام، دستور از امام بگیرید تا بفهمید چه کار دارید می‌کنید. کسی که نمی‌فهمد دارد چه کار می‌کند، این آدم آلوده است. آدمی که دستور ندارد و نمی‌فهمد چطور زندگی می‌کند، این آلودگی دارد و باید برود پیش امام تا آلودگی‌اش مرتفع بشود.

۱۱. و [از منافقان] کسانی هستند که بر پایه دورویی و نفاق، مسجدی ساختند برای آسیب رساندن و ترویج کفر و تفرقه‌افکنی میان مؤمنان و کمین‌گاهی برای [گردآمدن] کسانی که پیش از این با خدا و پیامبرش جنگیده بودند.

۱۲. سپس باید آلودگی‌های خود را برطرف کنند.

[۵۲+] در قرآن دارد که وقتی به بعضی می‌گویی این‌ها برآیند حرف خداست، (زمر: ۴۵) **وَإِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ...** می‌بینی دلش دارد پس می‌زند. وقتی می‌گویی براساس قرآن و روایات رسیدیم به یک چنین چیزی مثلاً در زندگی خانوادگی، می‌گوید: "نه حاج آقا!" احساس انزجار می‌کند. ولی **... مِنْ دُونِهِ...** در غیر این **... إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ؛** صورتش باز می‌شود، بشاش می‌شود. تا این‌ها را با ۴ تا کلمه این زبان نجس‌ها همراه کنی و می‌گویی کنفرانس‌های بین‌المللی و معادلات جهانی و کنوانسیون‌های فلان و ... ، (زمر: ۴۵) **... إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ؛** می‌بینی چشم‌هایش برق می‌زند، می‌گوید: "حالا شد حرف حساب! حالا این شد علم! بالاخره دانشمندان در مراکز، کنفرانس‌ها و کنوانسیون‌ها امضا کردند و حالا این شد یک چیزی!"^{۱۳} این‌ها مال این است که شخص به چه راه و فضا و مَصَب و مذهبی حبّ و ارادت پیدا کرده، همین تعیین کننده است.

۲-۴- بستر سیاسی آیات

[۴۹-] الان این آیات در چه بستری است؟ آیا من داشتم این بستر را به آیه تحمیل می‌کردم یا آیه دارد خودش را در این بستر نشان می‌دهد؟ در بستر مسجد ضرار و در مقابلش مسجد امامت و رسالت و مسجد سیاسی، وقتی می‌خواهد ظاهر بشود، معلوم است طهارت را در چه بستری تعریف می‌کند. البته به معنای طهارت معنوی هم هست، پس نباید این قسمت «**يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا**» را از آیه جدا بکنید و بگویید: "می‌خواهند بروند حال بکنند، گریه بکنند و طهارت کسب بکنند!" به خدا این نیست! مسجد در فرآیند دینی به معنای **پاتوق انقلابیون** تعریف شده و اگر غیر این باشد، می‌شود مسجد ضرار! اگر بخواهد پاتوق‌های دیگری درست بکنند، یک چیز دیگری می‌شود که اصلاً مورد تأیید دین نیست، حتی اگر اسمش را بگذارید حسینیه! اگر توانستید آن حسینیه را فتح بکنید و بشود برای منطق امامت، چیز خوبی است.

[۵۰+] باید حواسمان به این نکته جمع باشد که اتفاقاً مسجد علیه مسجد، حسینیه علیه حسینیه، دین علیه دین، مذهب علیه مذهب، ترجمه‌های انقلابی علیه ترجمه‌های انقلابی، تبیین‌های انقلابی علیه تبیین‌های انقلابی و ... کار را به شدت پیچیده می‌کند. می‌گویند آقا گیج شدیم! بدانید که راه، تنها **خطّ ولایت** است و راه دیگری ندارد. چون او از راه امام یک قرائت می‌کند و این یکی یک قرائت دیگر! و چه کسی می‌تواند بگوید کدام قرائت درست است؟ هر جا دیدید **ولایت** در مسیری حرکت می‌کند شما هم در همان مسیر حرکت کنید. وقتی خط و ربط کلی معلوم شد، همان قرائت درست از آن درمی‌آید.

[۵۱+] بصیرت مال همین چیزهاست. فهم‌های شبکه‌ای مال همین‌هاست. می‌دانید که یکی از متخصصین داستان‌گویی در تاریخ اسلام معاویه بوده است. آنقدر خاطره‌های ناب از پیغمبر نقل می‌کرده که همه را کفّبر می‌کرده است. می‌گفتند: "تو که تازه اسلام آورده‌ای!" اصلاً متخصص تبیین‌هایی از پیغمبر بوده. درباره شناخت معاویه برایتان خواهیم گفت که چطور است که یک عده‌ای یک‌هوا یک‌خطره‌ای در می‌آورند که مثلاً امام موافق بوده که «مرگ بر آمریکا» باید حذف شود! در صورتی که اصلاً این با **منطق امام** نمی‌خورد. این‌جاها آدم‌ها باید حواسشان را جمع بکنند.

۱۳. (زمر: ۴۵) **وَإِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَإِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ؛** و هنگامی که خدا به یگانگی یاد می‌شود [او نامی از معبودانشان به میان نمی‌آید] دل‌های کسانی که به آخرت ایمان ندارند، نفرت پیدا می‌کند و چون یاد از معبودان دیگر به میان می‌آید، ناگاه مسرور و شاد می‌شوند!!

۳-۱- معانی معنوی احیاء و امانه در قرآن

[۵۴-] اینکه در بحث «سعی در تخریب» دارد (بقره: ۱۱۴) ... **وَسَعَى فِي خَرَابِهَا...** ، باید سعی در تخریب را مستند به آیات بکنم. **إحیاء و امانه** را در جاهای دیگر قرآن هم نشان داده بودم که قرآن در فضاهای مختلفی **إحیاء و امانه** را طرح می‌کند و فقط **إحیاء و امانه** بدنی نیست. خیلی راحت بدون اینکه احساس خاصی به طرف دست بدهد، به کسی که دین ندارد می‌گوید: **میت!** (انعام: ۱۲۲) **أَوْ مَن كَانَ مَيِّتًا فَأُحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ...** یک مرده‌ای که ما نور الهی را در او دیدیم و احیاء شد. یا جنگ مایه احیای امم است (انفال: ۲۴) **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ...**^{۱۴} شما را احیا می‌کند.

۳-۱-۱- احیای زمین با احیای عدل و اقامه‌ی حدود الهی

[۵۶-] ما می‌خواهیم از خراب مسجد صحبت کنیم قرآن می‌گوید (روم: ۱۹) **يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا...** خدا همان خدایی است که احیاء می‌کند زمین را بعد از مرگ زمین. یک موقع می‌گویید زمین در زمستان می‌میرد و در بهار احیاء می‌شود. این درست است، ولی وقتی احیاء و امانه را در قرآن پی‌گیری می‌کنیم، یک احیاء و امانه دیگری می‌بینیم. حالا روایات ذیل این آیه را ببینید، دارد: **...لیس یحییها الارض بالقطر...** نه اینکه خدا با باران زمین را احیاء می‌کند. ما هم گفتیم معنی آن این نیست، بعضی دوستان اعتراض کردند که چرا می‌گویید معنی آیه این نیست؟ در واقع می‌خواهند بگویند این بحث را بگذار کنار! وقتی می‌گوییم **«يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا»**، این مدنظرمان نیست که باران می‌آید و زمین زنده می‌شود بلکه این مطلب کمی است برای [احیای ارض]... **...ولکن یبعث الله رجالا...** خدا یکسری رجالی را برمی‌انگیزد **...فحییون العادل...** این‌ها عدل را در زمین احیاء می‌کنند. **...فَتَحَى الْأَرْضَ بِأَحْيَاءِ الْعَدْلِ...** زمین به واسطه احیای عدل، احیاء می‌شود. آدم‌های عادل هستند که اقامه حق می‌کنند و زمین را احیاء می‌کنند. **...و لَأَقَامَهُ الْحَدَّ اللَّهُ أَنْفَعَ لِلْأَرْضِ مِنَ الْقَطْرِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا؛** اقامه حدّ برای خدا یعنی اجرای حدود الهی؛ مثلاً دست دزدی را بزنند، یا زانی و زانیه‌ای را شلاق بزنند، آن هم در ملاً عام و به همان صورتی که قرآن گفته (نور: ۲) **...وَأَلَيْسَ هَذَا عَذَابُهُمَا طَائِفَةً مِنَ الْمُؤْمِنِينَ...**^{۱۵} وقتی که اثبات شد دیگر حد بزنند. بعد خود خدا هم گفته که منی که رؤف هستم می‌گویم: (نور: ۲) **...وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ...** در دین خدا هم رأفت موقوف! اما آیا باید به دنبال اثبات جرم برویم؟ هرگز!^{۱۶} برای اثبات نباید کاری کرد ولی وقتی اثبات شد، اگر حد جاری بشود از باران چهل روزه خاصیتش بیشتر است.

۱۴ . ای اهل ایمان! هنگامی که خدا و پیامبرش شما را به حقایقی که به شما [حیات معنوی و] زندگی [واقعی] می‌بخشد، دعوت می‌کنند اجابت کنید.

۱۵ . و باید گروهی از مؤمنان، شاهد مجازات آن دو نفر باشند.

۱۶ . طرف آمده به امیرالمؤمنین گفته: "من خلاف مرتکب شدم." پرسیدند: "شوهر داری؟" گفت: "بله!" می‌پرسند: "شوهرت حاضر بوده؟" گفت: "بله." هرچقدر حضرت توجیه می‌تراشند، نمی‌شود. حضرت می‌گویند: "فعلاً باردار هستی برو بچعات را به دنیا بیاور بعد بیا!" می‌رود بچاهش را به دنیا می‌آورد و دوباره می‌آید ولی حضرت انگار که قبلاً این را نشنیده بودند! دوباره همان سؤالات را تکرار می‌کنند. بعد می‌گویند: "فعلاً برو بچعات را شیر بده!" باز می‌رود و دو سال بعد می‌آید و اقرار می‌کند و درخواست رجم می‌کند. حضرت می‌گویند: "برو فعلاً از بچعات مراقبت کن." این زن خسته می‌شود و گریه‌کنان داشته

[۶۳-] در روایت دارد زنی را برای حدّ سرقت نزد پیغمبر صلی الله علیه و آله آوردند که ایشان حدّ بزند. یک عده ریختند سر پیغمبر که یارسول الله! این از خانواده خیلی شریفی است مثلاً از خاندان حضرت آیت الله فلانی! شما این کار را نکنید! گفتند: انما هلك من كان قبلکم بمثل هذا؛ قبلی‌های شما هلاک شدند به خاطر همین چیزها. کانوا یقیمون علی ضعفائهم و یترکون اغنیائهم و اشرافهم فهلکوا؛ ضعیف‌ها را گیر می‌آوردند و مجازات می‌کردند. به اقویا و این خاندان‌ها که می‌رسیدند، مجازات نمی‌کردند و لذا هلاک شدند. اگر کار خلاف کردند همه باید مجازات بشوند. مشکل این است که یک عده که دستشان به دهنشان نمی‌رسد، مجازات می‌شوند و یک عده که منسوب به خاندان‌ها و دزدان یقه سفید هستند، مجازات نمی‌شوند. این جور می‌شود که امت‌ها و اقوام هلاک می‌شوند.

۳-۱-۲- احیای زمین با احیای مساجد

[۶۵] این روایات را خواندم تا نشان بدهم، آیه (بقره: ۱۱۴)... **وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا... سَعَىٰ** در تخریب یعنی چه. خیلی وقت‌ها سعی در تخریب نه به این معنی است که می‌خواهند آجرهایش را بکنند، بلکه کافی است مسجد را از حیثیات مختلف معنوی و انقلابی بیندازید. این‌ها با مساجدی که (حج: ۴۰)... **يَذْكُرُ فِيهَا اسْمَ اللَّهِ كَثِيرًا...** است مشکل دارند و می‌خواهند آن را منهدم کنند، ولی با مساجد دیگری که (نساء: ۱۴۲)... **وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا؛** هست، مشکلی ندارند. اینچنین مساجدی کلاً تخریب شده هست. خود مسجد خراب است؛ لذا اگر در آیات سوره توبه داریم (توبه: ۱۸) **إِنَّمَا يَعْمرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنُ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ...** مساجد را کسانی که ایمان به خدا دارند عمران می‌کنند، فرقی ندارد: «انما يعمر الارض من آمن بالله»؛ زمین را هم کسانی که ایمان به خدا دارند عمران می‌کنند، چرا این را می‌گوییم؟ به دلیل این آیه (هود: ۶۱) **وَأَلِي تَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا...** خدا شما را استعمار کرده در زمین؛ یعنی شما را گمارده که به زمین عمران ببخشید. یک موقع این آیه را می‌زنیم سر در دانشکده عمران که خدا خواسته ما زمین را عمران ببخشیم؛ مثلاً پل، راه، سد و تونل بسازید. البته این‌ها هم هست. آن اصل استعماری که خدا کرده و خواسته شما زمین را بسازید، این همان (توبه: ۱۸) **إِنَّمَا يَعْمرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنُ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ...** است. این که می‌خواهد احیاء کنید، نه این که در پزشکی احیاء بکنید که البته آن هم خوب است، ولی اگر احیاء یک نفر مثل احیاء کل بشر است، این فقط مال پزشک‌ها نیست. درجه نازل آن مال پزشک‌هاست. درجه عالی آن این است که احیاء امت بکنید؛ احیاء عدل بکنید. درجه‌ی بالای استعمار این است که شما را بگیرد به این که شما این زمین را زنده بکنید. خدا شما را برای این کار استعمار کرد، نه این که شما را استعمار کرده که پل بسازید. حالا یک پل هم بسازید، کشاورزی هم بکنید، ولی این‌ها که دین لازم ندارد که بگوید پل چند طبقه بسازید! هی بحث‌ها را نبرید در این فضا که ما را گرفته‌اند به این که زمین را آباد بکنیم! خوب باید کشاورزی کنید. پل و راه بسازید، این چیزها که گفتن ندارد! این که شما را خدا گذاشته که استعمار بکنید یعنی تخریب نکنید، احیاء کنید؛ یعنی یک رجال عدل را سر کار بیاورید، امانت الهی را

می‌رفته یک دیوانه‌ای (عمر ابن خریس مخزومی) از او می‌پرسد: "چه شده؟" این زن می‌گوید: "هرچه من به حضرت می‌گویم مرا برمی‌گرداند و مرا رجم نمی‌کند!" این مرد می‌گوید: "من از بجهات مراقبت می‌کنم." خلاصه جرم زن اثبات می‌شود و حضرت او را رجم می‌کند. ماجرای این رجم هم جالب است: می‌گویند او را در چاله‌ای بگذارید تا فردا صبح و همه طلوع فجر صورت پوشانده بیایید، بعد حضرت می‌گویند: هر کس این کار را نکرده، رجم کند و گرنه برگردد! در روایت دارد که همه برمی‌گردند! الا خود حضرت و امام حسنعلیه‌السلام و امام حسینعلیه‌السلام! بعد حضرت به ابن خریس مخزومی که نگهداری بچه را به عهده گرفته، جوری غضبناک نگاه می‌کنند یفقه فی وجهه الرمان انگار توی صورت حضرت انار ترکیده بود. این گفت: من فکر کردم دارم کار خوبی می‌کنم! آخر ابله من وقتی دارم این را می‌فرستم برود؛ یعنی نمی‌خواهم اثبات بشود.

بسپارید دست این‌ها تا این‌ها عدل احیاء بکنند و این کار می‌شود **استعمار ارض**. این‌ها می‌شود سطوح دیگری از تفسیر این آیات.

[۷۰-] (توبه: ۱۸) **إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مِنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ...** فرقی ندارد با «انما يعمر الارض من آمن بالله». مؤمنین که فقط مسجد را آباد نمی‌کنند. اگر مسجد دست کس دیگر بیفتد، می‌شود **مسجد ضرار** و (بقره: ۱۱۴) **...وَسَعَى فِي خَرَابِهَا...** و اگر زمین هم دست کسان دیگر بیفتد می‌شود «**زمین ضرار**» و می‌شود (بقره: ۲۰۵) **...وَوَيْهْلِكَ الْعَرْثَ وَالنَّسْلَ...**؛ این آدم اِهْلَاکِ حَرْثٍ و نَسْلِ مِی‌کند. زمین هم اگر بیفتد دست آدم‌های غیر مؤمن، می‌بینید که در زمین فساد ایجاد می‌کنند. این ماهیت **عمران و خراب، احیاء و اماتة، تخریب و انهدام** است که می‌گوید (حج: ۴۰) **...لَاهْدَمْتَ صَوَامِعَ وَبِيعَ...**

۳-۲- احیای مسجد با بردن زینت به آن؛ بردن زینت به مسجد یعنی ...

۳-۲-۱- لایه اول: رفتن به مسجد با بهترین پوشش

[۷۲+] (اعراف: ۳۱) **يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ...** یک لایه از بحث این می‌شود که زینت‌هایتان را به مسجد بیاورید. می‌دانید که خود مسجد نباید زینت‌آلود باشد، ولی شما زینت‌هایتان را وارد مسجد بکنید؛ یعنی یک خانمی وقتی به مسجد می‌آید، گفته‌اند طلاهایش را به خودش آویزان کند و بپوشد و یک لباس خوب بپوشد. آقا هم همین جور. الان بچه‌های ما چرا دوست دارند به عروسی بروند؟ ولی دوست ندارند به مسجد بیایند؟ به دلیل این‌که افراد در بهترین حالت ممکن در سالن عروسی ظاهر می‌شوند؛ یعنی می‌تواند مادر و پدر خودش را در خوش‌قیافه‌ترین حالت ببیند، ولی تا وارد مسجد می‌شوی بوی پا می‌دهد، در حالی که داریم که زینت‌هایتان را به مسجد بیاورید. گفته‌اند در حالت‌های بسیار شکیل وارد مسجد بشوید. حتی ذیل این آیه گفته‌اند: موهائیتان را خوب شانه بکنید و مرتب و منظم وارد مسجد بشوید انگار که دارید به سالن عروسی می‌روید.

۳-۲-۱-۱- نفی چشم و هم چشمی‌های غیر خدایی

[۳۹-] کارهایی را که روی چشم و هم چشمی‌های غیر خدایی باشد، خدا قبول ندارد. داستانی هست که رئیس قبیله‌ای شتری کشته بوده و از آن آبگوشتی درست کرده بوده و قابلمه‌ای از آن را دم در خانه کسی فرستاده بود. او زد زیر قابلمه و گفت "من دو تا شتر می‌کشم". طرف مقابل گفت: "پس من سه تا شتر می‌کشم" تا رسید به صد شتر! صد تا شتر کشتند. خبر دادند به امیرالمؤمنین. حضرت گفتند: "همه آن‌ها را بریزید جلوی سگ و شغال". گفتند: "آقا این گوشت است!" فرمودند: "این گوشت باید به سگ و شغال‌ها برسد. این‌ها را که روی چشم و هم چشمی ذبح شده بریزید دور!"

[۴۰-] ببینید چقدر از مهمانی‌هایی که ما می‌دهیم مال این است که یک نفر می‌خواهد یک نفر دیگر را ضایع کند! یک نفر می‌خواهد جلوی فلانی‌ها در بیاید! لذا مجلس می‌اندازد و حسینیه درست می‌کند، پاتوق می‌زند! این‌ها اصلاً روی تقوا نیست. شما هم چنین چیزهایی را تأیید نکنید! در این مجالس نروید و نیایید! یا پایین دهی‌ها برای توی چشم کردن بالا دهی‌ها یک مسجد می‌زنند! در حقیقت می‌خواهند حال همدیگر را بگیرند! این روحیه‌هایی که برای غیر خدا کار می‌کند و حتی مسجد می‌سازد، فایده ندارد.

[۷۱-] اگر روحیه غیرمؤمنانه باشد و برود جنبه فردی پیدا بکند می شود (مریم: ۷۴)... **أَحْسَنُ أَثَانًا وَرِئِيًا**؛^{۱۷} می خواهند نسبت به همدیگر فیگورهایشان را بیشتر بکنند. اگر در سطوح امت‌ها باشد می شود (نحل: ۹۲)... **أَنْ تَكُونَ أُمَّةً هِيَ أَرْبَىٰ مِنْ أُمَّةٍ**...^{۱۸} یعنی همین اخلاق فردی خاله زنکی که می خواهند اثاثشان را در چشم هم بکنند، و در سطوح خانوادگی انجام می دهند، همین اخلاق را می خواهند در سطوح امت‌ها، و احزاب انجام بدهند. هر دو یک اخلاق است اما در دو سطح؛ یکی در سطح خانوادگی و یکی در سطح احزاب.

۳-۲-۲ - لایه دوم: رفتن به مسجد با مال و فرزندان

[۷۵-] این یک لایه؛ یک لایه‌ی دیگر بحث این است که داریم (کهف: ۴۶) **الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا**... مال و فرزندان زینت حیات دنیا هستند؛ این‌ها را بردار ببر مسجد! یکی از زینت‌ها هم اموال هست؛ یعنی اقتصادت را ببر مسجد. مالت را ببر مسجد تا در محوریت مسجد اقتصاد شکل بگیرد و **اقتصاد مسجدمحور** داشته باشیم. خودت هم که می‌روی مسجد دست بچه‌ها و رفیق‌هایت را بگیر و ببر مسجد. خودت که می‌روی آن‌ها را هم ببر.

[۷۶+] تازه این‌ها که شد **زینت زمین!** این آیات را ببینید: (کهف: ۷) **إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا**... آن چیزی که روی زمین است که زینت شما نیست، زینت زمین است! ولی من گفتم (اعراف: ۳۱)... **خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ**... زینت خودت را بردار ببر مسجد. ممکن است آنچه را که زینت زمین است مجازاً بگوییم زینت شما، ولی درواقع زینت زمین است؛ مثلاً طرف یک باغ دارد و دارد به خودش افتخار می‌کند! اگر این باغ قشنگ است که زمین قشنگ است، این که نشد قشنگی تو! مثل این است که کس دیگری آرایش بکند و کس دیگر افتخار کند که این چقدر قشنگ است! و بعد هم می‌فرماید: (کهف: ۸) **وَإِنَّا لَجَاعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرُزًا**؛ همه این‌ها را پشم می‌کنیم برود.

۳-۲-۳ - لایه سوم: رفتن به مسجد با تمام ظرفیت ایمانی

[۷۹-] (حجرات: ۷) **وَاعْلَمُوا أَنَّ فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ**... بدانید در میان شما رسول الله است و اگر بخواهد رسول الله مطیع شما بشود، خودتان به زحمت می‌افتید... **وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ**... ایمان را در دل شما محبوب کرده و همین [ایمان]، زینت شماسست وگرنه آن‌ها زینت زمین است. زینت شما چیست؟ **ایمان!**... **وَكُرَّةَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ**...^{۱۹} در بحث حب داشتیم (توبه: ۱۰۸)... **يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا**... (نور: ۱۹)... **يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ**... اصلاً حبّ رشد است. رشد مال کسی است که خوبی و ایمان و خدا را دوست دارد. آدم رشديافته کسی است که از فسوق و عصیان کراهت قلبی دارد... **أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ**؛^{۲۰} این گواهی رشدی نیست که قوه قضائیه به دخترهای صغیر می‌دهد؛ این رشد مورد نظر دین است در بحث‌های اعتقادی.

[۸۱+] با توجه به این نکات، یک لایه دیگر (اعراف: ۳۱)... **خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ**... شما با تمام ظرفیت ایمانی به مسجد برو! همه ظرفیت اعتقادی_ایمانی خودت را ببر در مسجد. زینت خودت را که ایمانت است با خودت ببر مسجد؛

۱۷. لوازم زندگی بهتر و ظاهری [خوش‌نماتر و] نیکوتر داشتند.

۱۸. گروهی از گروهی از نظر نفرات و امکانات افزون‌ترند.

۱۹. و کفر و بدکاری و نافرمانی را ناخوشایند شما ساخت.

۲۰. اینان هدایت یافته‌اند.

لذا اگر کسانی هوای این را دارند که کار خیلی ویژه می‌خواهند انجام بدهند، بروند کارهای **مسجدمحور** انجام بدهند. مثلاً اگر گروه جهادی دارند، پاتوقشان را یک مسجد، یا یک حسینیه بکنند. گروه جهادی دانشگاه شریف پاتوقش، جلساتش باید مسجد باشد. فعالیت‌ها و خدمات اجتماعی از مسجد باید شروع بشود. تمام ظرفیت اعتقادی و فکری‌ات را بیآور مسجد! این می‌شود: (اعراف: ۳۱) ... **خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ**... و وقتی می‌فرماید: (اعراف: ۳۱) **يَا بَنِي آدَمَ... معلوم است این یک دستور بین‌المللی و جهانی است.**

۳-۳- استفاده زیاد از دنیا منافی پیش برد آرمان احیای مسجد

[۸۴-] من به بعضی می‌گویم: می‌دانید قبل از فقره‌ی (اعراف: ۳۱) ... **وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا**... چه فقره‌ای است؟ قبل آیه این است: (اعراف: ۳۱) **يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا**! آیا جا کم بوده؟! بلکه خوردن و آشامیدن هم باید برگرفته از روح ایمانی باشد وگرنه آن را حیوانات هم انجام می‌دهند. اصلاً لازم ندارد راجع به آن دستور الهی بیاید. خوردن و آشامیدن باید در بستر فهم ایمانی و تقویت دامنه و دایره امام باشد.

[۸۵-] وقتی به شما می‌گویند دین و ایمان را تقویت بکن! این آرمان را که جلوی تو بگذارند، تو می‌فهمی که اگر دین را بخواهی تقویت بکنی، نمی‌توانی اینقدر از دنیا استفاده بکنی؛ چون که به هم نمی‌خورد! چون که اگر بخواهی خیلی از دنیا استفاده بکنی، آنوقت آدمی نیستی که بخواهی دین را تقویت بکنی یا مساجد را تقویت بکنی! یعنی جایگاه امامت امام را بخواهی تقویت بکنی! شبکه اجتماعی امام را بخواهی تقویت بکنی! اگر بخواهی این آرمان بزرگ را انجام بدهی این با بخور بخور سازگار نیست. این (اعراف: ۳۱) ... **وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا**... مال این جاست که خوردن، آشامیدن و نکاح شخص، خانه و زندگانی تشکیل دادنش، کارش باید رنگ **احیای مسجد** بگیرد؛ یعنی رنگ **احیای پاتوق و شبکه اجتماعی امام.**

۳-۳-۱- اسراف؛ عدم حرکت در مسیر احیای مسجد

[۸۶+] جدا نکنید و بگویید «**كُلُوا وَاشْرَبُوا**» و تمام! که تقریباً بشود یک دستور بهداشتی! این آیه یک بستری دارد که باید آن را در آن بستر نگاه کنیم. (اعراف: ۳۱) **يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ**؛ خدا اسراف‌کار دوست ندارد؛ یعنی حتی اگر تو به اندازه‌ای بخوری که به معده‌ات آسیب نزن، ولی در بستر حرکت مسجد و احیای امر نباشد، اسراف کردی. نعمت خدا را خوردی و یک جای دیگر پس داده‌ای! به قول امیرالمؤمنین که درباره خلیفه سوم می‌گفت «**بین نثیله و معتلفه**»؛ کلاً در رفت و آمد بود بین آشپزخانه و دستشویی! خوب این بابا داشته کار حاکمیتی می‌کرده، ولی حضرت می‌گویند: کلاً این‌ها که نشد کار! این زندگی یعنی حرکت بین آشپزخانه و دستشویی. حالا وسط این‌ها داری چه کار می‌کنی؟ آیا داری احیای امر الهی می‌کنی؟! آیا داری تقویت جبهه حق می‌کنی؟! آیا داری ابطال جبهه باطل می‌کنی؟! [اگر نه] پس تو کلاً بین آشپزخانه و دستشویی هستی! این می‌شود اسراف!

[۸۸-] مفاهیمی که قرآن تعریف می‌کند با مفاهیم عرفی ما مقداری متفاوت است. از نظر ما اگر کسی آب را آن طرف بریزد می‌شود اسراف، ولی اگر عمرش را در راه احقاق حق و ابطال باطل صرف نکند، نمی‌گوییم داری عمرت را اسراف می‌کنی! در حالی که تو داری نعمات خدا را اسراف می‌کنی!

[۸۸+] کسی آمد پیش امام صادق^{علیه السلام}، حضرت یک غذای خوب برای او آوردند و خوردند. امام (ع) فرمود: "غذا را چگونه یافتی؟" گفت: "خیلی خوب بود، من غذایی به این خوشمزه نخورده بودم". بعد این شخص زد زیر گریه؛ حضرت پرسیدند "چرا گریه می کنی؟" گفت: "یاد این کریمه قرآنی افتادم: لَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ؛ فردا روزی که از ما از نعمت‌ها سؤال می کنند، من که این غذای خوشمزه را خوردم، آیا جواب خدا را می توانم بدهم؟" در روایت دارد که حضرت اینقدر خندیدند که دندان های عقب ایشان پیدا شد و گفتند: این آیه از نعمت ولایت می گوید که در قیامت از آن سؤال می شود، نه نعمت خوراک و پوشاک. منظور این نیست که طرف را یک لنگه پا نگهدارند و بپرسند تا حالا چقدر کله پاچه خوردی؟! اصلاً از خدا بعید است چنین کارهایی! کار را در این حد پایین نیاورید! یک کم آب می ریزی طرف می گوید: خانه من و اسراف! بعد امر ولایت بلا تکلیف مانده، ولی این دیگر اسراف نیست! یا احقاق حق نمی شود و اسمش اسراف نمی شود! یا به محرومین رسیدگی نمی شود و این نمی شود اسراف! شما اگر کل زندگیت را به همان اندازه ای که پزشکان می گویند بخوری، ولی عمرت را در راه «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» صرف نکنی، زندگی و اموالت را داری اسراف می کنی!

[۹۰-] آیات را در بسترهای خودش ببینید! حالا ما دلمان می خواهد آیات را تکه کنیم و از تکه هایش استفاده کنیم، آن یک بحث دیگر است. ائمه هم این کار را می کردند که آیات را تقطیع می کردند و از مقطعات آن هم استفاده می کردند. ولی نمی توانیم بگوییم که آیه در بستر خودش هم بی معناست!

۳-۴- توصیه به انجام کار جهادی، فرهنگی و ... با محوریت مسجد

[۹۰+] این می شود اهمیت نظام مسجد و حالا می فهمیم اقامه نماز یعنی چه (حج: ۴۱) **الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ... كَسَانِي** که وقتی خدا به آن ها امکان بدهد، و در زمین مکتت و جایگاه بدهد، کاری که می کنند این است که **اقامه نماز** می کنند.

[۹۱-] بروید در این باره فکر بکنید! من به عنوان یک آدم فرهنگی باید فکر کنم! شما به عنوان یک دانشجو باید فکری بکنید! این ها بیاید حول **مسجد** و در محوریت **امامت** شکل بگیرد. این همان تئوری **عمران** است و اگر هر کاری کردید که به نوعی مسجد را خلوت کردید ولو اینکه فرهنگسرا زدید، سرای محله زدید! یک کارهایی کردید که مسجد در آن کار از بین رفت، [این همان تخریب مسجد است].

[۸۲+] بعضی دارند در این ظرفیت روی مباحث مسجدمحور کار می کنند؛ بحث های محله با محوریت مسجد. هر طرحی، هر کلاس آموزشی می خواهید بگذارید، با مسجد محله تان صحبت بکنید در مسجد بگذارید. البته کلاس باید با شئونات مسجد سازگار باشد. نه کلاس رقص! مثلاً کلاس آموزش ریاضی. یا مثلاً من دارم طلبه تربیت می کنم، برای کجا؟ باید معلوم کنم که برای مساجد دارم تربیت می کنم. علمیت آن ها و کار فرهنگی آن ها برای مساجد است. یعنی نمی شود شما یک کار فرهنگی تبیین بکنید که در آن مسجد نباشد. این می شود بحث «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ».

[۹۱+] ما الان در کارهای جهادی که در کل کشور می کنیم، در ۴۰۰ تا شهرستان داریم کار می کنیم، به آن ها گفتیم: نفرات باید هویت مسجدی داشته باشند و آن گروه را باید در مسجد تشکیل بدهند. اگر جایتان مسجد است بیایید و گرنه

می‌رویم سراغ گروه دیگری! این کارها جایش در مسجد است. این کارها باید از مسجد پا بگیرد. بدانید انقلاب هم از مساجد پا گرفته است و انقلاب هم از مساجد درست خواهد شد. از غیر مساجد درست نخواهد شد. انقلاب و روحیات انقلابی و همه فعالیت‌های انقلابی را مساجد پایه‌گذار بودند و انقلاب و راه هم از مساجد درست می‌شود. اگر انقلاب بخواهد پای خودش را دوباره درست بکند، از مساجد پیدا می‌کند.

صلوات!